

برابری کامل زن و مرد در قانون اساسی باید

تصریح شود

حزب توده ایران پیشنهاد میکند که در مورد حقوق زنان نکات زیرین تصریح شود:

«قانون اساسی حقوق کامل سیاسی، اقتصادی، اداری مدنی، اجتماعی و فرهنگی زن را تضمین میکند. تامین برابری حقوق زن و مرد، شرط اساسی تحول بنیادی جامعه و ترقی آنست.»

در پیش نویس قانون اساسی در مورد برابری حقوق زن و مرد صراحت وجود ندارد. جملات کوتاه قانون اساسی درباره حقوق زن و خانواده مبهم، نارسا، دوپهلوی و غیر کافی است. تکیه یکجانبه پیش نویس قانون اساسی بر حقوق زن بعنوان مادر، بدون تاکید بر حقوق برابر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی او، نمیتواند با انتظارات زنان از انقلاب، که در پیروزی آن سهم غیر قابل انکار و ارزنده ای داشته اند، پاسخ گوید. اگر قرار است جامعه ما بر عقب ماندگیهای خود چیره شود و به سطح متعارف ترقی و تکامل دست یابد، روشن است که نمیتواند از پیروی خلاق اندیشه و کار نیمی از جمعیت کشور خود را بی نیاز دارد و آنگاه فقط بعنوان مادر و مربی کودک بشناسد.

امام خمینی کرآرا بر برابری حقوق زن و مرد تاکید کرده است. وظیفه تنظیم کنندگان پیش نویس قانون اساسی آن بود که این اصل صحیح و عادلانه را روشن، دقیق و بی خدشه در کلیه عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اداری و مدنی برای زنان بر رسمیت بشناسند، تا بنیاد مستحکمی برای تنظیم قوانین بعدی ایجاد گردد و ضامن معتبر برابر حقوقی زنان شود.

خواست قاطبه زنان آنست که در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور امکان مشارکت فعال یابند، تمام قوانین بازدارنده ملغی اعلام شوند، شرایط لازم برای دست یافتن زنان، بشمار درجات اداری و شغلی فراهم شود، در حیات اقتصادی اثری از تبعیض نسبت بزنان باقی نماند، اقدامات ضرور در زمینه هماهنگ ساختن وظایف خانگی و اجتماعی زن بعمل آید، بعنوان همسر از حقوق برابر با مرد برخوردار باشند و در یک کلام، کلیه تبعیضها از میان برداشته شوند، تمام مرزهای متنوعه شسته گردند و زمینه لازم برای شکوفایی قریبه زن ایرانی فراهم شود.

نیاید فراموش کرد که زنان و دختران، طی نسلها زنجیری رژیمهای ارتجاعی و زندانی خانه بوده اند و به همین جهت عرصه ضرور برای پرورش استعدادها نهفته خود نداشته اند. برای جبران این عقب ماندگی و ایجاد زمینه عینی برای برخورداری از حقوق برابر در همه عرصه ها، لازم است حتی در برخی از رشته ها و بویژه در رشته آموزش و پرورش، امکانات بیشتری در دسترس زنان و دختران گذارده شود، تا بتوانند بسرعت عقب ماندگی سالیان را جبران کنند.

لازم بتاکید است که میان انجام وظایف زن بعنوان مادر و وظایف او بشماره فرد برابر حقوق اجتماع، بهیچوجه تضادی وجود ندارد. این وظیفه دولتهای ملی و خدمتگزار مردم است که بنیادهای لازم را برای کمک بزنان و ایجاد پیوند منطقی میان وظایف خانگی و اجتماعی آنان فراهم آورند. تاسیس شبکه وسیع شیرخوارگاهها، کودکستانها، دبستانها، غذاخوریها و غیره را میتوان از جمله این بنیادهای ضرور دانست که زنان را در انجام وظایف اجتماعی شان یاری میدهند.

دین اسلام در طلوع خود، متجی و رهائی بخشی زنان بوده قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز باید رهاکننده زنان از زنجیر قوانین ارتجاعی و تبعیض گرا باشد و به ایجاد محملهای ضرور برای برابری واقعی زن و مرد، که برابری انسانهاست، یاری رساند.

نمایندگان

حزب

توده ایران

در گردهمایی

وزارت

امور خارجه

صفحه ۲

در صفحات بعد:

□ اعمال سیاست ضدتوده ای در رسانه های گروهی، به سود انقلاب ایران نیست

(صفحه ۲ - ستون سوم)

□ مونتسرا: پیروزی انسان

(نقد تئاتر در صفحه ۳)

□ توده های ما - شعری از احسان طبری (صفحه ۶ - ستون اول)

□ علت دستگیری عده ای از رهبران اعتصاب پیروزمند صنعت نفت را اعلام کنید

(صفحه ۶ - ستون اول)

□ افغانستان مصمم به حفظ دستاوردهای انقلاب است

(صفحه ۵ - ستون اول)

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۳۴
دوشنبه ۱۱ تیر ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

هزاران توده ای و مبارز انقلابی در مراسم ششمین سالروز رفیق شهید هوشنگ تیزابی تجدید عهد کردند:

مبارزه با امپریالیسم را ادامه می دهیم



اعضاء، هواداران و دوستان حزب توده ایران، ششمین سالروز شهادت رفیق شهید توده ای را برگزار کردند.

پیام مادر رفیق شهید

هوشنگ تیزابی:

من بعنوان يك مادر توده ای به عزیزانم یادآور میشوم: « ضرورت اتحاد همه نیروهای آزادیخواه و مترقی » راهرگز از یاد نبرند.

صفحه ۴

کشورهای صادر کننده نفت در «اوپک» باید جبهه متحد خود را بر ضد انحصارهای نفتی تقویت کنند

وارد آوردن فشار به کشورهای اوپک، بقصد جلوگیری از افزایش قیمت نفت بود. ولی کنفرانس ژنو نشان داد که این تاکتیک سران عربستان سعودی چندان تأثیری نداشته است.

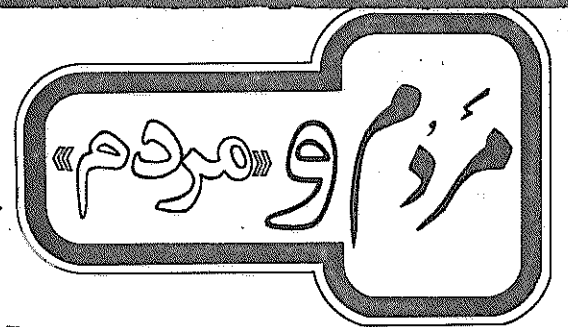
از دیدگاه منافع ملی ایران کنفرانس ژنو مسائل چشمگیری را حل نکرده است. در ماههای اخیر قیمت نفت خام در بازار جهانی با سرعت بیشتری افزایش یافت و در مواردی قیمت آن به ۳۷ بقیه در صفحه ۵

بدینسان اوپک يك مرحله دیگر از رویارویی در راه تعیین قیمت نفت را پشت سر گذارد. در کنفرانس ژنو، عربستان سعودی تنها کشوری بود که زیر فشار امریکا، مخالف افزایش قیمت نفت تا ۲۰ دلار و بیشتر بود، لازم به یادآوری است که در اوج تشکیل کنفرانس اوپک، عربستان سعودی اعلام کرده که بزودی تولید نفت خام روزانه را بمیزان يك میلیون بشکه افزایش خواهد داد. منظور مقامات دولتی عربستان سعودی،

ایران پس از انقلاب میباید سهم شایسته خود را در این زمینه ایفا کند

کنفرانس وزرای کشورهای تولیدکننده نفت، اوپک بکار خود در ژنو پایان داد. کنفرانس قیمت نفت خام را از قرار بشکهای ۱۸ تا ۲۳ دلار تعیین کرد. نفت کشورهای چون الجزایر و لیبی بعلت مرغوبیت و سایر عوامل موثر در قیمت گذاری نفت، از قرار بشکهای ۲۳٫۵ دلار و نفت دیگر کشورها و از جمله ایران بین ۱۸ تا ۲۳ دلار بفروش خواهد رفت.

قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود



نامه‌های وارده بسیار است و تقاضا می‌کنیم که نویسندگان آنها دوستان «مردم» در انتشار مطالب نامه خود عجله نکنند. البته مطالب برخی نامه‌ها که مربوط باوضاع روز است، گاه با حق تقدم، منتشر می‌شود.

بسیاری از دوستان درخواست کرده‌اند که پیرامون قانون اساسی و مجلس مؤسسان و موضع حزب در این مسائل، پیرامون مصاحبه رفیق اسکندری، آنچه‌آنکه در مجله تهران تصور درج شده و درباره شیوه اخیر تکرار اتهامات و لجن پراکنی‌های زمان سلطنت متغور علیه نیروهای چپ، از زبان یک ساواکی شکنجه‌گر، با همان وضع و جزئیاتی که سابقاً هم در مطبوعات زمان پهلوی منتشر شده بود، مطالبی درج شود. گمان می‌کنیم در شماره‌های اخیر، دوستان ما مقالات و موضوع‌گیرها و اسناد حزب ما را درباره این مسائل مختلف خوانده باشند و این درخواست آنها برآورده شده باشد.

دوستی یادآوری می‌کند که در رپرتاژ مراسم سالروز شهید توده‌ای پرویز حکمت‌جو، در چمن دانشگاه، «اشاره‌ای بشعارهایی که عده‌ای از شرکت‌کنندگان بزبان آذربایجانی می‌دادند، نشده بود و می‌گویند که آنها بویژه برای همین شرکت در مراسم، از آذربایجان به تهران آمده بودند». همین دوست درباره همین رپرتاژ می‌گوید که «عده‌ای ضد انقلابی یا فریب خورده کوشی داشتند در جهت مزاحم شدن». در این مورد یکی از کسانی که در جریان حضور داشت، تریف می‌کرد که رهگذری گفت: «آخر این یکمشت آدم که به حزب بدو برهه می‌گویند و فحش می‌دهند، چرا توده‌ایها جواب نمی‌دهند، مگر غیرت ندارند؟ همراهِش جواب داد: «چرا، اما شورم دارند...»

م. که، نامه مفصلی با عنوان «پاس پایداریهای رفیق پرویز حکمت‌جو» نوشته و در آن بر نامه امپریالیستی جلوگیری از گسترش اندیشه‌های مارکسیستی را فاش ساخته و می‌نویسد که در زندان کریم-خان زند، در شیراز، با پرویز آشنا شده و به تفکر برجسته وی پی برده است. او می‌نویسد: «رفیق حکمت‌جو متفکری والا بود که اگر بدست دژخیمان اسپر نمیشد، با ذهن خلاق و پسر بارش می‌توانست نظریه پردازی دقیق بشمار آید. درباره مقاومت و بزرگی روح او، بیشتر از جنبه‌های احساسی و عاطفی، مطالب مختلف بیان شده، ولی من می‌خواهم درست همین نقش خاص حکمت‌جو را در زمینه اندیشه‌های یادآوری کنم. وی پس از شش سال که در زندانهای انفرادی گذرانده بود، با سلامت و روانی مسایل مارکسیسم-لنینیسم را بازگو می‌کرد و وقایع ایران را تحلیل می‌نمود. او بسیار فروتن بود و می‌گفت: «شش سال انفرادی کشیده‌ام، بمن بیاموزید». ایمان او به حزب توده ایران زردستی راه آن که متکی به اعتقاد به حقایق مارکسیسم-لنینیسم بود، در تمامی گفتار و برداشتهایش جاری بود. او بسیار پسرکار بود و در زندان با استفاده از هر فرصتی، چون اول ماه مه، در شرایط خفقان بجماند، نشان میداد که مبارزه جهانی را در گستره کوچک خود برپا داشته. در برخورد با دشمن هم بسیار قاطع بود و هم بسیار منطقی. دیدار ما متأسفانه بسیار کوتاه بود و گذرا، ولی بسیار پربار و ماندنی، نویسنده نامه ضرورت آفریدن انسانهایی نو و آموزش دائمی و پرورش خصایل انسانی را یادآوری می‌کند.

عزیز امجدی از راه آهن. فسلامکان انتشار روزانه «مردم» نیست. بعضی پیدا شدن امکان بهیچ، اینکار را خواهیم کرد. افسس کردن روزنامه «نویده» نیز مورد علاقه و خواست بسیاری از دوستان نیست، زیرا که ناخوانا و ریز است. شماره‌هایی از آنرا همچنان می‌توانید پیدا کنید. چاپ مجدد مجله «دنيا» نیز بهمان صورت ریز نمی‌تواند راضی کننده باشد، ولی شماره‌های گذشته آن البته نه بطور کامل در کتابخانه‌ها موجود است. درباره آخرین پرسش مربوط به برقراری مجدد رابطه با حزب، همانطور که در «مردم» اعلام شده، رفقائی نظیر شما، که دارای سابقه فعالیت حزبی نیز هستند، لازمست بدبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در همان محل روزنامه مردم، یعنی خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، مقابل دانشگاه فنی، بیایند و با مسئولین مربوطه تماس بگیرند. دوست عزیز ع.ا.ش. در نامه خود از ندانم کاریها و خطاهای بورژوازی ملی و دسیسه‌های امپریالیسم آمریکا و آخر الامر اشتباهات کوچک، ولی با نتایج دردناک حزب در جریان رویدادهای ربع قرن پیش صحبت می‌کند، و از اینکه با چه دشواری دل خاموش و سرد را گرم و روشن نگه میداشتییم و می‌نوید، «جامعه امروز و نسل جوان بیشتر نیازمند رهنمودها و تجربه اندوزیهای شماست». این دوست بویژه در مورد روشنفکران علاقمند، تهیه و تنظیم فهرست کتب برای مطالعه و انتشاراتک تجزیه و تحلیل کامل و همه جانبه از وضع فعلی و طبقات اجتماعی را لازم می‌شورد و توصیه‌های جالبی را عرضه میدارد که امیدواریم امکان عملی کردن آنها را بدست آوریم.

نمایندگان حزب توده ایران در گردهمایی وزارت امور خارجه

وزارت امور خارجه از احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی، از جمله حزب توده ایران، دعوت کرده بود که برای بحث و مشورت درباره سیاست خارجی ایران، روز پنجشنبه ۷ تیرماه ۱۳۵۸ چهارمیدان تهر، در وزارت امور خارجه حضور بهم رسانند.

از جانب حزب توده ایران، رفقا متوجه بهزادی عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی و محمدعلی عمویی عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی در این گردهم آئی شرکت داشتند.

نخست آقای دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه، اصول سیاست خارجی دولت موقت را بیان کرد و سپس نمایندگان احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی شرکت کننده در این گردهم آئی، بنوبت، نظریات خود را در این زمینه ابراز داشتند.

رفیق بهزادی، به نمایندگی از جانب حزب توده ایران، نخست تشکیل چنین جلسه‌ای را تهنیت گفت و متذکر شد که برخی از اصول اعلام شده سیاست خارجی از جانب آقای وزیر امور خارجه مورد تأیید حزب توده ایران است از جمله، حفظ دستاوردهای انقلاب ایران، حفظ استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران، دفاع از تمامیت ارضی و مصالح و منافع مردم ایران، مبارزه با امپریالیسم، جلوگیری از استیلاي خارجی، عدم دخالت در امور ارضی کشورهای دیگر، حمایت از مستضعفین.

وی خاطر نشان ساخت که در عین حال برخی از جوانب سیاست خارجی اعلام شده مورد انتقاد حزب توده ایران است، بویژه آنکه در این زمینه تناقض هم دیده میشود. وزارت امور خارجه «دیهلماسی منحنی» مشاهده میشود که شایسته انقلاب ایران نیست. مثلاً قرارداد دوجانبه نظامی ایران و امریک که تازه چند روز پیش در روزنامه اطلاعات انتشار یافته - هنوز از جانب وزارت امور خارجه در اختیار افکار عمومی قرار نگرفته است. همچنین است سایر قراردادهای نظامی که با کشورهای خارجی، بویژه با کشورهای امپریالیستی منعقد شده است. وی پیشنهاد کرد که تمام این قراردادها باید

وی خاطر نشان ساخت که در عین حال برخی از جوانب سیاست خارجی اعلام شده مورد انتقاد حزب توده ایران است، بویژه آنکه در این زمینه تناقض هم دیده میشود. وزارت امور خارجه «دیهلماسی منحنی» مشاهده میشود که شایسته انقلاب ایران نیست. مثلاً قرارداد دوجانبه نظامی ایران و امریک که تازه چند روز پیش در روزنامه اطلاعات انتشار یافته - هنوز از جانب وزارت امور خارجه در اختیار افکار عمومی قرار نگرفته است. همچنین است سایر قراردادهای نظامی که با کشورهای خارجی، بویژه با کشورهای امپریالیستی منعقد شده است. وی پیشنهاد کرد که تمام این قراردادها باید

اعمال سیاست ضد توده‌ای در رسانه‌های گروهی بسود انقلاب ایران نیست

تلویزیون، شب جمعه گذشته، برای دومین بار طلسم سکوت درباره حزب توده ایران را شکست و این بار هم مانند دفعه قبل برای حمله به حزب توده ایران! روز پنجشنبه گذشته، به دعوت دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه ایران، بسیاری از احزاب و سازمانهای اجتماعی در یک گردهم آئی شرکت کردند، تا درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، گفت و گو کنند. حزب توده ایران هم بنا بدعوت رسمی وزارت امور خارجه در این جلسه شرکت کرد و نظریات خود را درباره سیاست خارجی ایران اعلام کرد.

در گردهم آئی وزارت خارجه، مائوئیست‌هایی آبرو تر شدند

علیه حزب توده ایران میگردد، آیا گردانندگان تلویزیون خبری مهمتر از این حمله وجود نداشته است؟ و آیا محافل خاصی که پیوسته می‌کوشند از تلویزیون برای تبلیغات ضد توده‌ای استفاده کنند، برآستی خبر نشده بودند که در آن جلسه یکی از معاونان وزارت خارجه و چند حزب و سازمان دیگر به این روش

تلویزیون، با توجه به نفرت توده‌های مردم از گروهک «اتحاد مبارزه»، نام آنرا نبرد، این سؤال مطرح میشود که: در جلسه‌ای به اهمیت نشست وزارت امور خارجه، که در آن مسائل مهمی درباره سیاست خارجی کشور مطرح میشود و تنها چند دقیقه از آن صرف حمله فاجو انمردانه گروهک مائوئیستی «اتحاد مبارزه»

در گردهم آئی وزارت امور خارجه در گروهک مائوئیستی «اتحاد مبارزه» و «سازمان انقلابی» هم شرکت داشتند. چنانکه انتظار میرفت، نمایندگان این گروهکها برای آن به این جلسه نیامده بودند که درباره سیاست خارجی ایران اظهار نظر کنند. آنها آمده بودند که وظیفه نامیمون خود را در مورد اتهام و افترا به حزب توده ایران و کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی انجام دهند.

نماینده گروهک «اتحاد مبارزه» کار گستاخی را بجائی رساند که به حضور حزب توده

Table with 2 columns: 'از کمکهای رفقا و دوستان' and 'سپاسگزاریم'. Lists names and amounts of donations.

متخصصین خواستار بازگرداندن کارکنان اخراجی، بازگشائی مجدد مراکز، آموزش‌های هنری کانون و بکارگماردن مجدد مریدان هنری این مراکز تأمین شرایط مساعد برای ادامه فعالیت‌های سازنده فرهنگی و هنری، افشای ماهیت دردها و وابستگی رژیم گذشته و محاکمه و اخراج آنها از کانون و تأیید شوراهای واقعی منتخب کارکنان کانون هستند.

طبق اطلاعی که بدست آورده‌ایم، خبر مربوط به «مجمع فولاد اهوژه» مندرج در شماره ۳۳ کرد.

مونتسرا: پیروزی انسان

اخبار کارگری دو اطلاعیه سندیکائی

در هفته ای که گذشت، دو اطلاعیه از طرف سندیکای کارگران آزاد تأسیسات ساختمان تهران و حومه منتشر شده است. یکی از این اطلاعیه‌ها خطاب به شرکتهای ساختمانی و تأسیساتی و صاحبان مشاغل مربوط به تأسیسات مکانیک و برق و ساختمان است که در آن چنین آمده:

«سندیکای کارگران تأسیسات ساختمان، جهت بسازسازی در مسیر انقلاب اسلامی، اعلام میدارد که این سندیکا از نیروهای متخصص عضو در امور تأسیسات ساختمان، اعم از لوله کش آب و فاضل آب، کارگر تهویه مطبوع و کفاله هوا و برق کار ساختمان، که تجربه و مهارت کاری و حسن عمل ایشان وسیله سندیکا تضمین میشود، بهره‌مند است، لذا جهت کمک به رفع بیکاری توصیه می‌نماید که در صورت نیاز به نیروهای مجری در امور فوق به سندیکای مربوطه مراجعه کنند.»

انتشار این اطلاعیه بدنبال اقدامات و کوشش‌هایی است که این سندیکا بعمل می‌آورد تا هر گونه استخدام کارگران ساختمانی یا مسائل دیگری که مربوط به مشاغل نامبرده در بالا است، از طریق سندیکای آنها انجام گیرد.

اطلاعیه دیگری دعوتی است که از کارگران حرفه‌های لوله‌کشی، شوقاژکار، نصب سرویس بهداشتی، تهویه مطبوع، برق کار ساختمان و کانال‌ساز، که عضو سندیکا هستند، جهت تبادل نظر و برنامه‌ریزی در مورد حل مشکلات صنف و مشورت در مسائل سندیکائی و ایجاد اتحاد لازم در باب سازندگی در مسیر انقلاب اسلامی و بررسی امکانات ارجاع کار به بیکاران عضو سندیکا، بعمل آمده، که روزهای یکشنبه هر هفته، ساعت ۴ بعد از ظهر، در محل سندیکا، واقع در خیابان ابو ریحان، خانه کارگری، طبقه دوم، اطاق ۲۱، حضور بهم رسانند.

کارگران شرکت آپادانا خواستار حقوق حقه خود هستند

عده‌ای از کارگران شرکت آپادانا در وزارت کار تجمع نموده خواستار رسیدگی به تقاضاهای خود شدند. کارگران میگویند، بیش از ۱۰ ماه است که کارفرما کار را تعطیل کرده است و در نتیجه ما بیکار شده ایم. شکایت به وزارت کار بردیم، آمدند و رسیدگی کردند و حرفهای ما را پذیرفتند. قرار شد ۹ ماه حقوق بما پرداخت شود. حقوق چهار ماهه و نیم را پرداختند و بقیه را قرار شد بعداً بپردازند. حالا پس از گذشت چند ماه، کارفرما نه کار را شروع میکند که ما مشغول کار شویم و نه طلب ما را پرداخت میکند. ما میگوییم در کشور ما انقلاب شده که همه کار داشته باشند، نه اینکه کارگران بیکار، و سرمنده خانواده خود شوند.

راندندگان بیکار هنوز سرگردانند، چرا دولت به تقاضاهای منطقی آنها توجه نمیکند؟

راندگان بیکار از مدت‌ها پیش برای جلب توجه دولت به خواستهای منطقی خود بهمه گونه اقدام دست زده‌اند، ولی هنوز سرگردان و آواره‌اند. آنها با وجود تشکیل سندیکا، تهیه فهرست راندگان بیکار، مراجعه به نخست‌وزیری و ارائه پیشنهادهای مشخص به دولت برای رفع مشکل خود، هنوز به هیچیک از خواستهای خود توفیق نیافته‌اند. آنها هرگز نخواستند دولت را در تنگنا قرار دهند آنها به دولت مهلت دادند، نماینده فرستادند و از دولت طلب کردند کامیونتهائی که بيمصرف در انبارها خوابیده، بهتر است با شرایط سهل به راندگان بیکار واگذار شود، آنها پیشنهاد کردند که اگر دولت نمیتواند کامیونها را واگذار کند، لااقل شغل دیگری به آنها ارجاع کند و از جمله اینکه قطعه زمینی با آنها بدهد تا در آن کشت و زرع کنند، اما دولت به هیچیک از این خواستها جواب مثبت نداده است. راندگان بیکار میگویند: «اگر ما تأمین داشته باشیم، با جان و دل از دولت پشتیبانی میکنیم. ما در اعتراضها و تظاهرات دوران انقلاب شرکت کردیم، ما به جمهوری اسلامی رأی دادیم، ما همراه با سایر قشرها و طبقات سلطنت را بخاک سپردیم، حالا هم همچنان مدافع و پاسدار انقلاب هستیم، اما جواب زن و بچه‌گرسنه را چه بدهیم، بهای آب و برق و کرایه خانه را از کدام محل پرداخت کنیم؟»

سندیکای راندگان، موفق شده‌اند از محل صندوق وام خود به افراد مجرد ماهانه ۲۰۰۰ تومان و به افراد امیل ۳۰۰ تومان پرداخت کنند.

جریمه کارگر بیمار

یکی از کارگران کارخانه دباغی‌امید، واقع در جاده رزم‌آرای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود. نشانی، خیابان ۱۶ آذر، شماره: ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

رفقا و دوستانی که در خارج از کشور اند، میتوانند کمک مالی خود را به نشانی زیرین ارسال دارند، Sweden Stockholm Sparbanken Stockholm N: 0400 126 50 Dr. John Jakman

از مدت تقریباً دو هفته که با تنی رنجور و مریض ناچار به سر کار رفتم، دوستانم گفتند که ارباب (کارفرما) تورا جریمه کرده است، چون که دو هفته سر کار نیامدی. کارفرما نه تنها حقوق ایام بیماری مرا پرداخت نکرده است، بلکه بخاطر اینکه دو هفته مریض شده‌ام و دو هفته نتوانستم بسرای او مزدوری کنم، مرا جریمه کرده است و از حق عائله مندی و از حقوق دیگر کم کرده است.



مونتسرا، در آستان مرسک، مقاومت راتا به آخر تحمل کند. خلیجان درونی، التهاب مرگبار و کشنده او توصیف پذیر نیست.

اسکوره‌رو، به رفم سادگی تک بعدی‌اش در اجرا، شخصیتی به نهایت پیچیده است. جلادی با خشن‌ترین شیوه‌های آدمکشی و ظریف‌ترین شکردهای اعتراف - گیری. یک بازجوی بیرحم و در عین حال یک روانشناس زبردست، اسکوره‌رو تجسد دستگاه اختناق یک نظام دیکتاتوری فاسد است.

شش قربانی بی‌گناه، به یکباره وارد صحنه میشوند. اما نویسنده در معرفی آنها نه ناشیگری نشان میدهد و نه دستپاچگی عجولانه، پس از معرفی اولیه، در طول نمایش، شخصیت پردازی دقیق و سنجیده‌ای آنان را گام به گام به پیش میبرد. و چنان دقیق، که تکمیل ابعاد شخصیت آنها، برابر با مرسک آنهاست. نویسنده موفق میشود تا دم مرگ زرقای روح آدمهایش را بشکافد، و در پس حرکات ظاهری، خلیجانهای روحی آنان را به نمایش بگذارد.

اجرا

تمام تلاش مهندس علی جعفری در صحنه گردانی «مونتسرا»، صرف ارائه اجرائی هیجان‌انگیز، گهرا و مؤثر شده است. از این دیدگاه، به نمایش موقتی دست یافته است. این تلاش را از دستکاری متن آغاز کرده است که خود میتواند بحث‌انگیز باشد. وی ترجیح داده است برای هر چه ساده‌تر و سریع‌تر ساختن داستان و پیام آن، چند صحنه و بخشی از دیالوگ‌ها بیشتر حواشی توصیفی و گفتارهای درونی غیر مستقیم را حذف کند و کوشش کرده است که تمام پیام نمایشنامه را در تک‌گفتار شعرگونه‌ای بر آغاز نمایش بیآورد. چنین روشی، اگر چه بارها از کوره آزمایش گذشته و هر بار نظرات موافق و مخالف را برانگیخته، ولی پیدا است که برای جعفری، وضوح و روشنی شفاف شخصیت‌ها از همه چیز مهمتر است. از این رو، تیرگیها و ابهام‌های شخصیت آفرینی را کنار گذاشته است. گرچه در این رهگذر، گاه خطرات آن هست که بفرنجی‌های روحی و نرسد درونی چنانکه شخصیت‌ها، در همه ابعاد خود جلوه نکنند، چیزی که احتمالاً هم‌کن است اهل فن را به خرده گیری وادارد.

پایان نمایش نیز با یک پیام سیاسی سرریخ برگزاد میشود.

«مونتسرا» یکی از معروفترین و موفق‌ترین نمایشنامه‌های سیاسی قرن ماست. محور داستانی نمایشنامه یکی از حوادث فرعی انقلاب رهائی بخش خلق ونزوگلا است. چنان حادثه‌ای که در هر انقلاب دیگری قابل وقوع است.

مظلوم و مبارز در راه استقلال و آزادی، ابعاد جهانی و سراسر انسانی کسب میکند و تمام محتوی غنی خود را عرضه میدارد و نشان میدهد که در این شرایط انسانی دوستی و ملت‌گرایی دست در دست هم دارند.

در «مونتسرا» بیش از هر چیز تنوع شخصیتها و ژرفای روانی آنها خیره کننده است. در ابتدای نمایش با دروقطب اصلی ماجرا آشنا میشویم که نمایش تا پایان، ستم‌چا نانه و بیرحمانه آن دو را باز مینماید.

ماجرا در ستاد فرماندهی استعمارگران میگردد. مونتسرا افسری است که از سر کوب انقلابیون تن میزند و رهبر آنان بولیوار را در پناه میکشد. این عمل در عرف نظام او مفهومی جز خیانت و کمک به دشمن ندارد. نقطه مقابل او اسکوره‌رو، افسر سنگدل و خونخواری است که برای به حرف آوردن رقیب از هیچ جنایتی رویگردان نیست. مضمون اصلی نمایشنامه، مقاومت قهرمانانه مونتسرا در برابر سنگین‌ترین شکنجه‌های روحی است که اسکوره‌رو برای درهم شکستن او تعبیه کرده است.

فداکاری و مقاومت روحی مونتسرا

از سرشت پاک و انسانی او مایه میکشد. اسکوره‌رو دقیقاً بر همین گوی انسانیت انگشت می‌گذارد. نصحت از راه تحقیر و به زانو درآوردن و سپس با مشارکت دادن ظاهری او در قتل‌شش نفس بیگناه اسکوره‌رو زندگی‌اش انسان بیگناه را در گروی بزبان آمدن مونتسرا میکشاند. فاجعه همین جاست: فرمانده میکشد از انسان دوستی مونتسرا نقطه ضعفی بسازد.

مونتسرا ناچار است، با تحمل سخت‌ترین عذابهای روحی، ناظر بر پر زدن مردمی باشد که به خاطر نجاتشان از همه چیز خود گذشته است. تراژدی شکل می‌بندد و به فرجامی تاملی بخش می‌انجامد. مونتسرا به کیفی پیروزی در آزمون درناکشی به قتل میرسد. نمره پیروزی او گریز بولیوار از چنگ مزدوران استعمارگران، و ادامه انقلاب است. مونتسرا در سراسر نمایش، در تردیدی آتشین می‌سوزد، حتی یکبار تا آستانه‌ی تسلیم پیش میرود. اما با کمک یک رزمنده ونزوگلائی، آن قدرت

- مونتسرا - تالار رودکی
- نوشته: امانوئل روبلس
- ترجمه: مهدی امینی
- کارگردان: محمدعلی جعفری
- بازیگران: محمدعلی جعفری، منوچهر فرید، محمدعلی کشاورز، مهین شهبانی، غلامعلی نبی‌پور، سهراب سلیمی، محمد کلاهدوزان، جمشید جهانزاده، فرزانه نشاط‌خواه، فریدون سوزی، و ملکی.

نمایشنامه «مونتسرا» در شکل نمایشی و محتوای داستانی، اثری قابل توجه است، با بافت دراماتیک قوی، یکدست و ماهرانه که تا پایان بی‌گزند می‌ماند. توطئه به سادگی ریخته میشود، شخصیتها یکبارگی به روشنی معرفی میشوند و فاجعه به روانی شکل می‌بندد.

نوعی انتر ناسیونالیسم انقلابی، یا به عبارت درست‌تر، گونه‌ای انسان‌گرایی جهانی بر نمایشنامه سایه افکنده است. قهرمان غایب نمایش، سیمون بولیوار است. پرچمدار جنبش آزادیبخش ونزوگلا در قرن نوزدهم و یکی از سربازهای نبرد استقلال طلبانه در کشورهای آمریکای لاتین. مونتسرا خود یک افسر اسپانیایی است که از شرکت در جنایات وحشیانه هموطنانش علیه خلق «دشمن»، که برای آزادی و استقلال پناخته، سرباز میزند و سرانجام جان بر سر آرمان انسان دوستانه و آزادیخواهانه خود میکشاند. انگیزه‌های عینی سرکشی دلیرانه او به روشنی بیان نشده است. شاید همین کاستی، بی‌انگیزگی شکل نمایشنامه در بررسی علمی شکل بنفدی اجتماعی جوامع آمریکای لاتین باشد.

نویسنده نمایشنامه، امانوئل روبلس، که یک الجزایری فرانسوی زبان است، از نزدیک شاهد ستیزی‌های بربرمنشانه‌ی فاتحان «متمدن» بر ضد بومیان محروم عرب بوده است. احتمالاً روبلس نیز بر سر این دوراهی دشوار قرار گرفته است، انسان‌گرایی یا ملت‌گرایی. بظاهر مونتسرا اولی را به زبان دومی برمیگزیند، ولی در واقع روبلس با تمام شخصیتهای نمایش و تکامل آنها نشان میدهد که ملت‌گرایی خلق مظلوم و مبارز هم پیوند انسان‌گرایی و زاینده است. ملت‌گرایی آزادخواهانه و مترقی، همبستگی همه خلقها را ایجاب میکند. با نیم‌نگاهی به تضادهای درونی «متر و پول» و خیل محرومان کشور استعمارگر، معلوم میشود که این «ملت‌گرایی» عمال حکومت فاسد و ستمگراست که دروغین و فریبنده از آب در می‌آید و به یک باره از درون فرو می‌پاشد و بوضوح قطعاً بل انسان‌گرائی است. در حالی که ملت‌گرایی خلق

هزاران توده‌ای و مبارزان انقلابی در مراسم ششمین سالروز رفیق شهید هوشنگ تیزابی تجدید عهد کردند:

مبارزه با امپریالیسم را ادامه می‌دهیم



جمعیت شعار میدهد: فاتح شکنجه‌گاه، تیزابی

قهرمان، راهت ادامه دارد...

راه درست نبرد را نیافته بودند، ولی در جریان نبرد، در برخورد با واقعیات، در رویارویی با منطق بی‌تردید حقایق سرسخت و بقیه‌تجرب‌های پردردی بردند راهیکه حزب توده ایران نشان میدهد، راه درستی است؛ راه نبرد توده‌ای، راه تشکیل مبارزه طبقاتی و ملی، راه استفاده از همه اشکال نبرد، بر خور و وضع و نیرو و بنا به مقتضیات زمان، و بدنبال او بسیاری دیگر از جوانان آمدند و می‌آیند، که آنها نیز از نفرت و ناآگاهی، از بیراهه و پایداری آگاه کرده بودند. تیزابی مظهری از همه اینهاست که بالاخره قدرت و افتخار آنرا یافتند که بزیر درفش گردآیند که نخبه‌های قرون داده است و بر آن، نام حزب و مضمون سیاسی اثر و میانی آید. اش نقش بسته و هزاران دست حقیقت جو، دست قهرمانان نامدار و گمنام پاسدار آتند.

رفیق شهید بعد از چهار ماه زندگی دردناک در قزل قلعه و تحمل انواع مشقات از زندان آزاد می‌شود. بعد از آزادی همچون گذشته با انرژی سرشارتری به راه خود ادامه می‌دهد و در روزهای که رژیم منفور پهلوی سایه شوم خود را بر زندگی فلاکت‌بار توده‌ها گسترده بود، باریکه او با انتشار «نشریه بسوی حزب» مشعل فروزان مبارزه را بدوش می‌کشد. گرچه از حمایت این نشریه دیری نپائید و بیش از سه شماره توسط او منتشر نشد، لیکن انتشار آن جرقه‌ای بود که در فضای تیره و غم‌گرفته مهن‌مان درخشید و چشم‌انداز روشنی را در برابر دل‌باختگان آزادی قرار داد.

جمعیت رفیق امینی را با شعارهای: «دروغ بر تیزابی، شهید انقلابی - فاتح شکنجه‌گاه، تیزابی قهرمان، راهت ادامه دارد!» بدرقه میکند و آنگاه شعری از ام. سپهری خوانده میشود که در تیرماه ۱۳۵۴، در زندان قصر بیاد رفیق شهید توده‌ای، هوشنگ تیزابی ساخته شده است.

بعد از خواندن شعر، اعلام میشود که رفیق امیر نیک‌آئین، از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران، سخنی می‌گوید.

جمعیت، ناگهان از جا برمی‌خیزد و وطن پر خروش، در بحثها و گفتگوهایی که بازندان این داشت شیوه دنگ‌کیشوت ما بسانه و خائنه پرویز نیکخواه و عمل سازشکارانه خلیل ملکی را، که سنگ انقلاب را به سینه می‌زدند، محکوم کرد و ماهیت آنها را به زندانیان نشان داد.

رفیق تیزابی در رد نظریات چپ نمایانه پرویز نیکخواه مبنی بر اینکه ما جنگلهای شمال را بدقت مورد بررسی قرار دادیم تا مکان مناسبی برای شروع انقلاب بیابیم گفت:

«انقلاب کار من و شما نیست، انقلاب محصول تجربه طبقه و توده است، همان طبقه کارگری که در مورد آنها لنین بزرگ میگوید: «بدون آنها تمام بمب‌های عالم فاقد قدرتیست».

در سال ۱۳۴۹ رفیق تیزابی از

نیست، زندگی خود مبارزه است. با چنین برداشتی بود که بعد از رهایی از زندان، فعالیت سیاسی خود را استوار و بیکرو با عزمی راسخ ادامه داد. اما از آنجا که تجربیات لازم را کسب نکرده بود شناخت روشنی از عملکرد صحیح انقلابی نداشت. بی‌شک اینها در راه مبارزه برای رسیدن به موفقیت‌های بزرگ‌گام بر میداشت، نتیجه اینکه در سال ۱۳۴۴ برای اولین بار غل و زنجیر دژ خیمان پهلوی بر دست و پایش افتاد. بعد از شکنجه‌های فراوان، به بیدادگاه نظامی اش بردند. صحنه بیدادگاه نظامی به عرصه مبارزه علیه تجاوزات رژیم، به حقوق پایمال شده توده‌های مردم بدل گردید.

هنگامیکه رئیس بیدادگاه با لحن دل‌سوزانه از او خواست که لحن خود را ملایم سازد تا دادگاه در مدت محکومیتش تخفیف قائل شود، رفیق تیزابی پاسخ داد: «من شرافت اخلاقی و آیدولوژیک ام را بهیچ چیز نفروخته و نخواهم فروخت، میثاق من با توده‌های زحمتکش عالیترین و عمیقترین پیوندها است».

رفیق تیزابی در بیدادگاه دژخیم به ده سال زندان محکوم شد، که بملت کمی سن این مدت به پنج سال کاهش یافت. او روانه زندان گردید، در زندان آئی‌ان مبارزات خود دست نکشید رفیق تیزابی با مبارزه علیه جریانهای فکری منحرف و انقلابی نما، با کوششی خلل ناپذیر در متن مبارزات خروش، مبارزه علیه رژیم را دنبال کرد.

در پر تو اندیشه‌های فنا ناپذیر و با الهام از خط مشی حزب‌اش و در پرتو برنامه‌های روشنگرانه و انقلابی حزب توده ایران، که آن روزها از رادیو پیگ ایران بگوش شیفتگان راه آزادی میرسید، با ستیز علیه شیوه‌های باصلاح انقلابی، که زیر پوشش انقلابیگریهای کاذب که با شعار تند و میان تهی بیدادگاه آمده بودند، اندیشه خویش را برپا توان ساخت.

در روزها و هفته‌ها از هر طرف توده‌های آزادیخواه و مترقی راه هرگز از نظر دور ندارند، زیرا خون شهدان، به پیوسته بر زمین نریخته است. خون پسران، این فرزند خلق ایران، و خون همه شهدای راه آزادی، در پیه و نمر رساندن این انقلاب ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری سهمی بسزادارد.

جمعیت، پیام را با شعار: «دروغ بر تومادر توده‌ای...» بدرقه میکند. مادر رفیق شهید می‌ایستد و به جمعیت تعظیم میکند. جمعیت، شعار را تکرار میکند. بعد، نوبت رفیق امینی، هم‌رزم و هم‌سنکر رفیق شهید تیزابی می‌رسد. در پیام او شرح مختصری از زندگی و مبارزات رفیق تیزابی آمده است:

صدای هوشنگ از کارخانه، از زندان، صدای او از مزارع، از خیابان، از باغ، صدای او از شکنجه‌گاه می‌آید: - زنده باد حزب توده ایران... صدای من، صدای ما، صدای کارگر و دانشجو، صدای پیر و جوان، صدای حزب ما، از این میدان پوشیده در بانگ سرود می‌آید: - یساور زحمتکش، تیزابی قهرمان...

اینجا زمین چمن دانشگاه صنعتی است، ۷ تیر، روز هوشنگ، روز شهادت، روز حماسه، یکی از هزاران روز شهیدان حزب توده ایران! تصویر هوشنگ در شرف میدان است، بر سینه‌اش دهها شقایق سوزان شفته و بر دهانش، این پیام نقش بسته: - بسوی حزب... و این صدا، که در میدان می‌رود، پیام اوست. این نسل است که پیام راستین هوشنگ را شنید و از میان دود و مه تبلیغات دشمن، از قلب دروغ و افترا، راه را به بسوی حزب توده ایران گشود.

کوش کنید، این کاری است که از راه می‌رسد و صدا در میدهد: - شهید حزب توده، دنیا تو را ستوده... جمعیت تکرار میکند، زنی با چادر اشک از چشم پاک میکند. آنجا کنار تریبون، دوزن سرد گوش هم می‌بینند و پیچیده میکنند. مساداران تیزابی و حکمت‌جو چه میکنند؟

سرود حزب را می‌نوازند. جمعیت بر می‌خیزد، هجا‌های سرود، بر لب‌ها می‌آورد و میکشد و اوچ میکشد: - حزب ما توده‌سازد پیروز... در حواشی میدان، پلاکاردها زیر آفتاب تند، تیر چشم رامی‌گیرند: - جاودان باد خاطره تابناک هفتم تیرماه، ششمین سالروز شهادت هوشنگ تیزابی، توده‌های انقلابی مهن‌پرست و انترناسیونالیست‌پر شور، که برای تحقق آرمانهای خلق از نقد جان گذشت.

- دروغ بر سر حضرت آیت‌الله خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران! - برضاد امپریالیسم آمریکادشمن اصلی مردم ایران متحد شویم! مراسم یا پیام صادر رفیق شهید هوشنگ تیزابی آغاز میشود. در این پیام چنین آمده:

من به عنوان یک مادر توده‌ای، به آرمان حزب توده ایران معتقدم و احترامی عمیق می‌گذارم و بهسه عزیزانم یاد آور میشوم که این شعار حزب توده ایران را همواره آویزه گوش سازند و ضرورت اتحاد همه نیروهای آزادخواه و مترقی راه هرگز از نظر دور ندارند، زیرا خون شهدان، به پیوسته بر زمین نریخته است. خون پسران، این فرزند خلق ایران، و خون همه شهدای راه آزادی، در پیه و نمر رساندن این انقلاب ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری سهمی بسزادارد.

جمعیت، پیام را با شعار: «دروغ بر تومادر توده‌ای...» بدرقه میکند. مادر رفیق شهید می‌ایستد و به جمعیت تعظیم میکند. جمعیت، شعار را تکرار میکند. بعد، نوبت رفیق امینی، هم‌رزم و هم‌سنکر رفیق شهید تیزابی می‌رسد. در پیام او شرح مختصری از زندگی و مبارزات رفیق تیزابی آمده است:

رفیق هوشنگ تیزابی در آذرماه ۱۳۲۲ در شهر تهران متولد شد و پس از پایان دوران دبیرستان در سال ۴۰-۴۱ وارد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران گردید. او در اولین مراحل مبارزه‌اش علیه رژیم کودتا دست نشاندهگان امپریالیسم آمریکایی، در سال ۴۲ توسط عمال حکومتی دستگیر و بمدت یکماه بازداشت شد. او معتقد بود که مرزی بین زندگی و مبارزه

صف‌ها و سنگرها را از هم تمیز دهیم و با تحلیل درست آرایش نیروها و موضعی که آنها آگاهانه و بی‌گناهی از رهبری انقلاب، امام خمینی، و سیاست قاطع ضد امپریالیستی ایشان و سیاست قاطع ایشان بسود مجرومان جامعه و بگفته خودشان زحمتکش جنوب تمام شهرهای ایران و روستاهای کشور دفاع کنیم. باید مصممانه روشن کنیم که این سیاست قاطع با نظر و سیاست حزب ما تطبیق میکند و بطور عمدۀ در جهت طرح و حل مسائل اساسی کشور ما سیر میکند و از این روست که ما از آن دفاع میکنیم و هیچ تهمت دنباله‌روی و فرصت طلبی و نظایر اینها، ما را از سیاست اصولی خود منحرف نخواهد کرد، سیاستی که بسود استقلال ایران بسود آزادی، بسود خلق زحمتکش است. چنین روشی فرصت طلبی نیست اجرای یک مشی سیاسی پخته و دقیق است که از تجربه سالها دراز حزب ما فیض میکشد و بکمان ما میتواند نیروهای راستین انقلابی و خلقی را علیه دشمن اصلی بسبب کند، انقلاب را نجات دهد و آنرا به پیش برد. الهام بخش وجود ما ستارگان درخشندۀ ای چون تیزابی‌هاست که وجودشان، نبرد و شهادتشان بر مشرق زندگی‌شان، روشنائی بخش آسمان ایران و الهام بخش بیکارماست همچو تیزابی به مردم، به خلق زحمتکش، به آزادی و استقلال ایران عشق بورزیم!

همچو تیزابی در مبارزه خود بیکسر ویرشور، آگاه و صادق باشیم! راه تیزابی، راه حزب توده ایران، پیروز و پرافتخار باد! سخنان رفیق امیر نیک‌آئین، بارها با شاعرهای:

- زنده باد جبهه متحد خلق ما...! - روزیه، حکمت جو، تیزابی، فرزندان خلق ما! قطع میشود. صدای شاعرهای هواداران حزب ما، که از آذربایجان به تهران آمده‌اند، شاعرهای دیگر را همراهی میکنند: - یاشاسین حزب توده... جمعیت رفیق امیر نیک‌آئین را با شاعرهای:

- زنده باد حزب ما، حزب به خون خفته ما... - دروغ بر کمیته مرکزی حزب ما... بدرقه میکنند. آنگاه پیام کانون دانش آموزان دمکرات ایران، در پی آن پیام سازمان زنان دمکرات ایران، و بدنبالش پیام هواداران حزب توده ایران در کردستان خواننده میشود.

پیام‌های زیرین هم به مراسم رسیده است که متأسفانه فرصت برای خواندن آنها نیست:

پیام هواداران حزب توده ایران در چالوس، پیام هواداران حزب توده ایران در شهرری، پیام گروهی از کارگران صنعت نفت تهران، پیام جوانان و دانش آموزان دمکرات کرج، پیام سازمان ایالتی حزب توده ایران در گیلان، پیام هواداران حزب توده ایران در سمنان، پیام جوانان و دانش آموزان و دستیاران دمکرات مرکز پزشکی شهدای تجریش، پیام سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، پیام هواداران حزب توده ایران در رودسر، پیام گروهی از دانش آموزان جنوب تهران در دولت آباد، مراسم پایان می‌گیرد. سرود حزب نواخته میشود، این صدای هوشنگ، این پیام اوست در آخرین روزهای حیات که با ترنم سرود در میدان جاری است:

یک توده‌ای مبارز، باید پرشور، با اراده، استوار، امیدوار و رزمنده باشد، یاقول لنین بزرگ: «انقلابی در علم و دانشمند در انقلاب...»

چنین باشیم! چنین کنیم! این صدای ما است! این صدای حزب‌ماست که باشهید خود عهد می‌بندد: - راه تو، راه خونین حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، ادامه دارد!

افغانستان مصمم به حفظ دستاوردهای انقلاب است

انقلاب است

به گزارش خبرگزاری تاس، نورمحمد تره کی دبیر کل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق و رئیس شورای انقلاب جمهوری دموکراتیک افغانستان در گفت و گویی با شیوخ قبیله، بجاور، اعلام کرد: «در افغانستان جایی برای دشمنان انقلاب وجود ندارد و تمام کوششهایی که برای مسدود کردن راه ما مصروف می شود محکوم به شکست است». تره کی سپس بر نقش نیروهای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان ارج فراوان نهاد و گفت: «آنها پاسداران سراسر کشورند و مصممانه آماده هستند که متجاوزان را از هر نقطه ای که مارا مورد حمله قرار دهند، دفع کنند».

کارها و سخنهای کنفرانس توکیو و اعلامیه نهایی

کنفرانس سران دولتهای غرب در توکیو، در حالی که هر یک از آنها می کوشید تا حداکثر منافع را برای خود دست و پا کند، روز جمعه با انتشار اعلامیه مشترک هفت کشور پایان یافت. از جمله تصمیمات مهم این بود که این کشورها متعهد شدند که واردات نفت خود را تا سال ۱۹۸۵ محدود سازند. سهم وارداتی همه کشورها بنابر از ایتالیا بدین ترتیب با ارقام مشخص شد: سطح واردات نفت در سال ۱۹۷۸ برای فرانسه، انگلستان و جمهوری فدرال آلمان، هشت میلیون و پانصد هزار بشکه در روز، برای ایالات متحده آمریکا، ۶/۳ تا ۶/۹ میلیون بشکه در روز، و هشتصد هزار بشکه در روز برای کانادا.

امریکا، ژاپن و کانادا متعهد شدند که خریدهای سال ۱۹۷۹ خود را به سطح متناسب با تعهداتی محدود کنند که در حد آژانس بین المللی انرژی متقبل شده اند. این کشورها همچنین واردات نفت خود را در سال ۱۹۸۰ در سطحی پایین تر از واردات سال ۱۹۷۸ یا برابر با آن نگاه خواهند داشت.

متن اعلامیه مشترک همچنین حاوی تصمیماتی درباره اعمال مراقبت بر همه بازارهای جهان «آزاد» نفت مانند «روتردام» است.

جمعی کاتر رئیس جمهوری آمریکا نیز ضمن اعلام تصمیم تثبیت واردات ضروری نفت (از سال ۱۹۷۹ تا سال ۱۹۸۵) گفت: شرکت کنندگان در کنفرانس توکیو، عقیده دارند که تصمیم کشورهای عضو اوپک در مورد افزایش قیمت نفت «نااروا» است و وی به کشور خود و سایر کشورهای صنعتی جهان «هشدار داد» که افزایش اخیر قیمت نفت از طرف کشورهای تولیدکننده احتمالاً بحران اقتصادی برای کشورهای صنعتی پدید خواهد آورد. کاتر همچنین گفت که کشورهای

بقیه از صفحه ۱
دلار در هر بشکه رسید. و این در شرایطی بود که میانگین قیمت رسمی فروش نفت ارائه شده از جانب کشورهای تولیدکننده، از ۱۶/۵ دلار تجاوز نمی کرد. در چنین شرایطی کشورهای عمده مصرف کننده نفت در جهان سرمایه داری، تبلیغات وسیعی علیه کشورهای تولید کننده شروع کردند. ولی همه میدانند که هم در ایجاد بحرانی که اکنون بنام بحران انرژی مشهور است و هم در افزایش سرسام آور قیمت فرآورده های نفتی، انحصارهای غول پیکر نفتی اعضای کارتل بین المللی نفت، نقش اساسی را بعهده داشتند. سیاست استفاده از انرژی ارزان قیمت، یعنی نفت، که این انحصارها در دوران تسلط مطلق خود بر منابع نفتی جهان سرمایه داری در پیش گرفتند و دیگر کشورهای رشد یافته صنعتی نیز با آغوش باز از آن استقبال نمودند، موازنه مصرف انواع انرژی را بهم زد. شکوفایی صنایع جهان غرب، به میزان قابل ملاحظه ای مدیون غارت بی بند و بار بهره کشی بی سابقه منابع زیرزمینی و نیروی انسانی کشورهای صاحب منابع نفتی است. دوران نفت ارزان قیمت سہری شد. جهان سرمایه داری که در تب بحران عمیق اقتصادی و

کشورهای صادرکننده نفت

این باره سخن خواهیم گفت. آنچه اکنون الویت دارد، جنبه سیاسی بحران انرژی است که در گرد هم آیی هفت کشور بزرگ رشد یافته صنعتی سرمایه داری (آمریکا، بریتانیا، آلمان غربی، فرانسه، انگلستان، ایتالیا، ژاپن و کانادا) در توکیو مورد بحث قرار گرفت. هدف از این گرد هم آیی، که به بعد از پایان کنفرانس وزرای کشورهای عضو اوپک محول شده بود، تبادل نظر درباره اتخاذ «تدابیری در جهت گسترش مستمر اقتصاد جهان با روح همکاری متقابل» بود. منظور کاوش طرفی بود که بتواند به رکود طولانی در جهان سرمایه داری پایان دهد، مسئله بحران انرژی را از بن بست بیرون آورد، مناسبات بین کشورهای رشد یافته سرمایه داری ورشد یافته را التیام بخشد و بالاخره تضاد بین دول امپریالیستی را در عرصه های اقتصادی و بازرگانی کاهش دهد. ولی هم اعلامیه منتشره پس از پایان گرد هم آیی توکیو و هم تفسیرهای اولیه در این زمینه نشان میدهد که مبارزه شدید بین کشورهای شرکت کننده در آن در راه دستیابی به منابع تأمین نفت خام، دیگر مشکلات اقتصادی را تحت الشعاع خود قرار داد. تردیدی نیست که در توکیو طرق گوناگون



صنعتی برای مواجهه با این «بحران» ناگزیرند که در ذخیره کردن انرژی هماهنگی داشته باشند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، هفت کشور صنعتی غرب، که خود با غارتگریها، بهره کشیها و افزایش مداوم قیمت کالاهای صادراتی صنعتی خود باعث گرانی قیمت نفت شده اند، در کنفرانس توکیو، کشورهای تولید کننده نفت (اوپک) را شدیداً مورد انتقاد قرار داده اند (۱) و اعلام کردند افزایش «نااروا» قیمت نفت در اجلاس ژنو، بی گمان آثار و نتایج اقتصادی و اجتماعی «بسیار وخامت باری» خواهد داشت و قبالت کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را به یکسان به مخاطره خواهد افکند!

منع صدور نفت به آفریقای جنوبی نشود.

روزنامه گاردین چاپ لندن نوشت که دولت انگلیس منع صدور نفت دریای شمال را به آفریقای جنوبی لغو کرده است، به نوشته این روزنامه، لرد کارینگتون، وزیر امور خارجه انگلیس به شرکت نفتی بریتیش پترولیوم اجازه داده است که مستقیماً یا وسیله یک شرکت اروپایی به رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی نفت بفروشد.

واکنشهای منفی کشورهای سرمایه داری در برابر تصمیم اوپک

به گزارش رویترز، دولت ژاپن که تقریباً تمام نفت مورد نیاز خود را از خارج می خرد، نتایج افزایش اخیر قیمت نفت را از طرف اوپک، مورد بررسی قرار داد. مقامات دولتی ژاپن به لحنی محتاطانه واکنش نامساعد خود را بروز کردند و اعلام داشتند که «قیمتهای جدید نفت احتمالاً سالانه هفت میلیارد دلار بر صورت حسابهای نفت وارداتی ژاپن خواهد افزود»، و این گفته ماسایوشی اوهرای، نخست وزیر ژاپن، که «دولت وی ناگزیر است برای مواجهه با شرایط اخیر تدابیری جدید اتخاذ کند»، گواهی دیگر بر این تلقی نامساعد نسبت به تصمیم اخیر اوپک است.

مطبوعات انگلیسی وابسته به محافل سرمایه داری این کشور با لحنی تحریک آمیز و مزورانه درباره تصمیم اوپک اعلام کردند که «اکنون توپ در زمین مصرف کننده گان نفت» است. «فایننشال تایمز» نوشت: «بهترین شانس برای کشورهای مصرف کننده نفت این است که مصممانه به کاهش تقاضای نفت خود اقدام کنند».

اعمال فشار به کشورهای تولید کننده نفت مورد بررسی قرار گرفته است. اظهار تأسفی که شرکت کنندگان در گرد هم آیی توکیو از افزایش قیمت نفت از جانب دول عضو سازمان اوپک بعمل آورده اند، مؤید این نظر است.

انقلاب ایران ضربه مهلکی به منافع امپریالیسم و بررأس آن امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس وارد ساخته است. وجود منابع عظیم نفت در این منطقه آنرا به شاهرگ اقتصاد جهان غرب مبدل نموده، که نمیتوان و نباید از نظر دور داشت. بی سبب نیست که ایالات متحده آمریکا کشورهای منطقه را به اشغال نظامی تهدید میکند و نیروی نظامی ویژه ای را برای اجرای این نیت پلید خود سازمان میدهد.

چگونگی بررسی این سیاست تجاوزکارانه آمریکا در گرد هم آیی توکیو هنوز معلوم نیست. ولی، بهر حال آینده نزدیک نشان خواهد داد که امپریالیستهای نفتخوار در توطئه علیه کشورهای تولید کننده نفت خام تا کجا پیش خواهند رفت. و اما دول کشورهای تولید کننده نفت از هم اکنون باید خود را برای یک رویارویی شدید با انحصارگران امپریالیستی آماده سازند.

راه پیمایی برای آزادی محمد رضا سعادت

صبح پنجشنبه گذشته، بدعوت دانش آموزان مجاهد، نزدیک به ۳ هزار نفر دست به راه پیمایی زدند. آنها که از میدان فردوسی بطرف دادگستری حرکت میکردند، خواهان آزادی محمد رضا سعادت از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران بودند، که مدتی است دستگیر شده است. راه پیمایان که عکسهایی از امام خمینی، آیت الله طالقانی، کردند.

اصفهان: احتکار يك عمل اقتصادی ضد انقلابی

از اصفهان گزارشی دریافت کردیم که نشان میدهد قشرهای بالایی سرمایه داران، که وابستگی هائی نیز با خاریجه دارند، شروع به احتکار برخی اجناس کرده اند. مثلاً مؤسسه ای در اصفهان فعالیت میکند که فروشگاه و نمایندگی لوازم یدکی کامیون و مرسدس بنز و لیلاند را دارد و مرتباً با کمپانی های این دوشرکت در تهران در تماس و معامله است. صاحبان مؤسسه در معاملات زمین نیز نقش دارند و دارای زمین های زیادی هستند. چند روز قبل، از کمپانی ماشین آلات در تهران تلفنی باین مؤسسه اطلاع داده اند که از فروش قطعات یدکی مهم و اصلی خودداری کند و فعلاً این وسایل را انبار کند تا در موقع مناسب برای فروش، مؤسسه را مطلع کنند. این عمل علاوه بر احتکار و ایجاد ناراضی در بین مردم، توطئه ضد انقلابی از جانب صاحبان صنایع وابسته و مراکز اصلی آنها و شرکتهای بزرگ را نشان میدهد.

همینطور اطلاع حاصل شده است که تجار بزرگ شهر کالاهائی از قبیل پارچه و آستری لباس را در انبارهای خود احتکار کرده اند و فروشگاههای کوچک پارچه فروشی و خياطها، که احتیاج مبرم به آستری دارند (که اکثراً از خارج وارد میشود و فعلاً مدتها است که وارد نمیشود) فعلاً در ناراحتی و ناراضی بسر میبرند. کتبه و فروشگاههای کوچک و مصرف کنندگان، از این تجار بزرگ بازار شدیداً ناراحتند و میگویند که، باین احتکار، تجار بزرگ عملاً نقش ضد انقلاب را بازی میکنند.

اعتصاب کارگران پیمانی شوکت ملی نفت در آبادان با پیروزی پایان پذیرفت

اعتراض و اعتصاب و تظاهرات کارگران پیمانی شرکت ملی نفت در آبادان، که خواستار پایان دادن به تسلط پیمانکاران زانو صفت و قطع چپاولگری این نمایندگان رژیم پهلوی بودند، در تاریخ ۴ فروردین ۵۸، طبق موافقت نامه ۹ ماده ای که بین نمایندگان منتخب کارگران و نمایندگان شرکت ملی نفت ایران و نمایندگان وزارت کار و امور اجتماعی امضاء شده، با موفقیت پایان پذیرفت. در این موافقت نامه به تقاضای های اساسی کارگران در تعیین وضع و شرایط استخدامی آنها از پیمانی به رسمی، اخذ کمک هزینه، خواربار و کمک هزینه مسکن به کارگران مجرد و متاهل

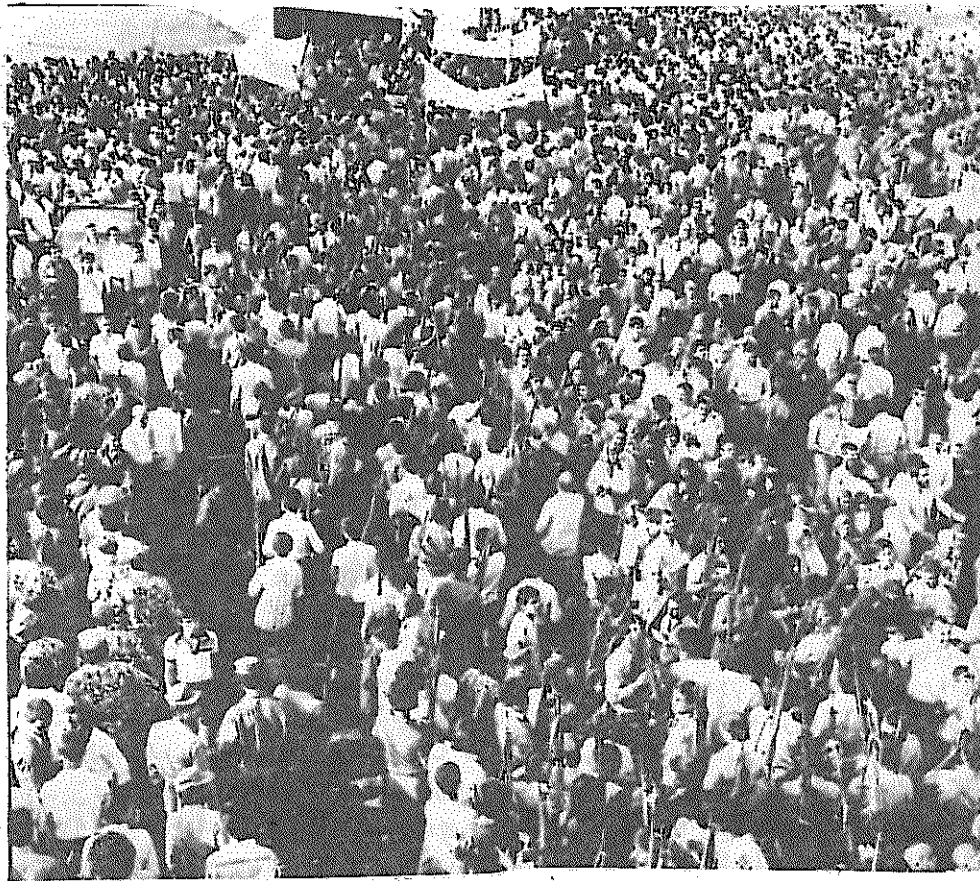
کارگران کارخانه نوشابه سازی شوکت ساسان پیروز شدند

کارگران کارخانه نوشابه سازی کانادادرای و کوکاکولا و سون آب و سودا، که از چندین پیش مسئله اضافه حقوق سالانه را، که از فروردین ماه هر سال منظور میکردند و امسال کارفرما به بهانه های مختلف از جمله تصویب نشدن قانون اساسی و قانون کارجدید از پرداخت اضافه حقوق شانه خالی میکرد و خبر آن

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

دختر جوان یکی از زنان کارگر عضو سندیکای بافنده سوزنی، شعری بر وزن، «چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است»، سروده شاعر توده ای لاهوتی، گفته است که چند سطر از آنرا در اینجا نقل میکنیم، کارگر، ای شرف نوع بشر کارزست، ولیکن چه نم؟ میبرد حاصل کارت را دزد میدهد یک دوسه شاهی به تومزد از تو باشد شرف و همت و کار دزد بیکاره شود بر تو سوار تا که سرمایه چنین بر تخت است کارگر نیز چنین بد بخت است وضع او خوب شود؟ هیهات است تا که بی «وحدت و تشکیلات» است

روز پاسداران بارزه باشکوه دهها هزار نفر پاسدار برگزار شد. پاسداران: استعمار و ضد انقلاب را نابود میکنیم



دهها هزار پاسدار در رژه باشکوهی که عصر پنجشنبه هفتم تیر در خیابانهای تهران انجام دادند، مراسم روز پاسدار را برگزار کردند. همزمان با این مراسم، در شهرستانها هم روز پاسدار برگزار شد.

پاسداران ساعت ۳ بعد از ظهر پنجشنبه، از ۷ نقطه به طرف میدان امام حسین حرکت کردند. مردم در طول تمام مسیرها از پاسداران استقبال بیسابقه‌ای کردند، به لوله تفنگ‌هایشان گل آویختند و بر سرشان گلاب و نقل پاشیدند. پاسداران در طول مسیر از جمله شعارهای زیرین را میدادند:

- اسرائیل نابود است، فلسطین پیروز است!
- مرگ بر هر سه مقصدین، کارتر و سادات و بگین! مردم هم با شعارهای:
- پاسداران خمینی، سر بازان حسین، روز شما مبارک!
- پاسدار، پاسدار، ما خوابیم تو بیدار، خدا نگهدار تو، بمیرد دشمن خونخوار تو از پاسداران استقبال میکنند.

در مراسم روز پاسدار، که در میدان امام حسین برگزار شد، بعد از تلاوت آیاتی از قرآن مجید، پیام امام خمینی و بدنهال آن پیام شورای انقلاب خوانده شد. با سخنرانی آیت‌الله مهدوی کنی، سرپرست کل کمیته‌های انقلاب، پیام نخست وزیر و پیام هانی الحسن، نماینده جبهه آزادیبخش فلسطین در تهران، برنامه دنبال شد و در پایان قطعه‌ای از روز پاسدار خوانده شد.

در این قطعه ۱۲ ماده‌ای از جمله آمده بود: «مقام منبع رهبری انقلاب ضامن وحدت و پیروزی انقلاب بوده و ما پاسداران جان بکف تحت فرمان واجب‌الاطاعت آماده اجرای دستورات امام می‌باشیم». «ما با همان قدرت و با همان خونهای نثار شده‌ای که انقلاب اسلامی را به پیروزی رساندیم، توطئه‌ها و تحریکات عوامل سرسپرده استعمار و عناصر ضدانقلاب را نابود خواهیم کرد».

مشهد: باز هم نمونه‌ای از اقدامات ضد آزادی و ضد انقلاب

دو نفر از هواداران حزب توده ایران که در خیابان خمینی (ارک سابق) در مشهد مشغول فروختن «مردم» بودند، مورد حمله افراد مشکوکی قرار گرفتند. قضیه باین صورت بود که دو نفر از دانشجویان در خیابان مزبور، هر کدام در سویی، بکار خود مشغول بودند. در این اثناء ۵ نفر به یکی از آنها حمله کرده، «مردم» را از دستش بیرون میکشند و پاره میکنند (۶ عدد مردم) و پس از چند دقیقه به دوست دوم حمله ور میشوند و تعدادی از «مردم» او را نیز پاره میکنند. پس از چند لحظه همه آنها مانند تبهکاران فیلم‌های وسترن آمریکایی فرار میکنند.

این دوستان با ناراحتی با مردمی که اطرافشان را گرفته بودند، شروع به بحث میکنند و این عمل زورگویانه و آزادی‌کش را که احتمالا توطئه‌ای از جانب محافل ضد انقلابی آشکار و پنهان است، فاش مینمایند.

مازندران: افشای رباخواران

در چالوس و نوشهر و سایر شهرهای شمالی ایران، مبارزه وسیعی از جانب مردم بر علیه رباخواران شروع شده است. بسیاری از خیابانها مملو از شعار بر علیه این استثمارگران است. حتی در شهر چالوس مردم اسم این گونه افراد را بر دروازه دیوار نوشته‌اند و از دیگران هم خواسته‌اند که رباخوارانی را که می‌شناسند، معرفی کنند. بر روی یکی از دیوارها، در یکی از خیابانهای چالوس، شعارهای: «مرگ بر رباخواران چالوس»، «رباخواری برابر است با فقر جامعه»، «رباخواران جهنمی را معرفی کنید» دیده میشود.

در نوشهر نیز چنین نوشته‌هایی بر روی دیوار به چشم می‌خورد، از آن جمله که «رباخوار مفسد فی الارض است». مردم می‌طلبند که دولت اقدامات قاطع بسوی زحمتکشان و محرومین بعمل آورد و دست چپاولگران را کوتاه نماید.

جنوب تهران: خانه‌سازی برای مردم نیازمند را شروع کنید

در حاشیه منطقه خزانه فرح‌آباد، جنوب تهران، در زمان گذشته، کوره‌پزخانه‌ای قرار داشت که بعلت رشد خانه‌سازی، از مدت‌ها قبل به متخروبه‌ای تبدیل شده بود. اکنون این منطقه در محاصره خانه‌های مسکونی قرار دارد و نسبتاً وسیع و خرابه و بایر است. از چندین سال قبل عده‌ای مردم بی‌چیز در درخمه‌های این کوره‌پزخانه زندگی میکنند. آنها اطراف این کوره‌پزخانه را جدا جدا دیوار کشیده‌اند و درخمه‌ها را به تصرف در آورده‌اند. این گسترش دیوارکشی بعد از انقلاب افزونی یافت. اکنون شبها و روزها زنان با مردان و کودکان از درخمه بیرون می‌خیزند و از خاک و آجر پاره‌های موجود در آنجا، در بیرون سرپناهی خشتی و گلی و بی‌قواره برای خود می‌سازند. این صحنه‌ها اهمیت وحدت دستور امام خمینی را برای خانه‌سازی برای مستضعفین نشان میدهد. اما اکنون مدتهاست که از این موضوع خبری درج‌راید مشاهده نمیشود. گویا کار جدی در جهت اجرای دستورخانه‌سازی برای مستضعفین انجام نمیشود.

علت دستگیری عده‌ای از رهبران اعتصاب پیروز و زمند صنعت نفت را اعلام کنید

شدگان از وخیم‌تر شدن اوضاع جلوگیری نمود. در تاریخ پنجم تیر، خانواده‌های دستگیرشدگان با یکی از زندانیان ملاقات نمودند و معلوم شد که هر سه نفر از ۲۹ خرداد اعتصاب غذا کرده‌اند و در روز ملاقات هشتمین روز اعتصاب غذا را میگذرانیدند.

همزمان با دستگیری این سه نفر، منزل چند تن دیگر از مبارزین نیز مورد بازرسی قرار گرفت که در مقابل عکس‌العمل کارکنان صنعت نفت، علت بازرسی‌ها «اشتباه» عده‌ای از افراد کمیته «سوء تفاهم» بیان گردید. همچنین یکی از کارگران واحد بهره‌برداری نزدیک اهواز، با اسم آقای شعبی زاده، نیز دستگیر شده، که از فعالین اعتصاب قبل از انقلاب بود.

نکته‌ای که در اعلامیه‌های اعتراضی دستگیرشدگان، خانواده‌های آنها و نیز کارکنان صنعت نفت به چشم می‌خورد، عدم ارائه مدارک و اعلام نکردن اتهام و ادامه بازداشت این مبارزان صنعت نفت است. ما طبق مشی خود در دفاع از آزادیهای دمکراتیک، خواستاریم که علت دستگیری بازداشت شدگان هر چه زودتر اعلام گردد.

گرج: دزدی زیاد شده است!

یکی از کارگران، که خویشانی در خیابان بهار کرج دارد، میگوید، این منطقه آب نداشت و شهردار، که از طرف کمیته انتخاب شده، به آنها گفته است که نفی ۲۵۰۰ تومان به بانک بدهید تا به شما آب بدهیم و آنها نیز این کار را انجام میدهند. پس از مدتی پیمانکار می‌آید و شروع به کندن خیابان می‌کند، ولی پس از مدتی پیمانکار ناپدید میشود. اهالی به کمیته می‌روند، ولی در آنجا می‌گویند که پولها را برداشته و رفته است. حالا اهالی این محل می‌گویند بعلت خرابی راه، آب هم نمی‌توانیم به‌خانه بیاوریم.

بمناسبت مقاومت و فداکاری رفیق شهید پرویز حکمت‌جو و رفیق مبارز علی خاوری در زندان

توده‌های ما

بنام تهران توده‌ای را، کاندین ظلمت دل خونین او، چون شپچراغی، نور می‌باشد. سراپا، ریش گرد و پیکرش، از خار و خس، لیکن درون بیشه پریم، از رفتن نمی‌ماند نمی‌ترسد، در این راه طلب، یکدم نمی‌خسبد سراپا عاشق خورشید آزادیست، بی‌پروا بسوی آن افق، پویا، جهان دیگری جوياست سرودی نغمی خواند: «فروغ زندگی فرداست» ***

چو کرم کور، اندر گندولای بندگی ماندن خرومانده عمری عبث را هرسوئی راندن بزنجیر ستکاران نامردم، خموش بودن برای شادی و آزادی مردم، نرزمیدن سزای راد مردان نیست ***

آنکس در خور هستی است که می‌سوزد ز عشق خلق و می‌پوید به راه او چو سر بازی مجاهد، گامزن اندر سپاه او همانا حکمت هستی انسان، بذل جان و دل به راه بخت و آزادی انسانهاست، از نیرو بهین گردان عالم، در ره رزم و طلب رفتند هم از این رو بود گر خاوری خورشید خاور را برغم خیل خفاشان، طلب بنمود در ظلمت بلند آوازه شد پرویز حکمت‌جو بدین حکمت ***

زنوضحاك می‌خواهد به کام خویش، قربانی ز نور مدید فرعون کین آموز، دژخیمان نثار و فدیه را در زیر تیغ جور، بنشانند بزیر دشنه جلاد، ای یاران زندانی! خروش خطه عالم بگوش هوش بنیوشید! شما نیز، ای هواداران راه و رسم انسانی به ضد این ستم، با نغمه پیکار، بخروشید!

احسان طبری

برای گروهی از مبارزان صنعت نفت اهواز تصبیقاتی ایجاد شده که در ذیل شرح داده میشود:

۱- آقای شو برمهیل، عضو شورای انقلاب صنعت نفت اهواز، در تاریخ پنجم خرداد، در منزل خود دستگیر شده است. معیل عضو کمیته مخفی اعتصاب بزرگ صنعت نفت اهواز بود. ۲- آقای ناصر حیاتی، سرپرست چند واحد بهره‌برداری ناحیه نفتی مارون، واقع در نزدیکی اهواز، و عضو شورای انقلاب صنعت نفت، در تاریخ دهم خرداد، در منزل خود دستگیر شده است، حیاتی نیز از اعضای کمیته مخفی اعتصاب صنعت نفت بوده است.

۳- آقای جواد خاتمی عضو کمیته مخفی اعتصاب نفتگران و نماینده مهندسی بهره‌برداری ناحیه نفتی مارون، که در تاریخ ۱۱ خرداد، در منزل خود دستگیر شده است. سه نفر مذکور، بعد از مدتی بازداشت در اهواز، از ۲۳ خرداد به تهران منتقل شده‌اند. همسران آنها بعد از تحصن یکروزه کارکنان صنعت نفت در اداره مرکزی اهواز و بدنهال انتقال شوهران خود به تهران، در تاریخ ۲۹ خرداد، در اداره مرکزی شرکت نفت، واقع در خیابان تخت جمشید، تحصن کردند. گروهی از کارکنان صنعت نفت، طی اعلامیه‌ای، به تحصن خانواده‌های همکاران خود پیوستند. همسران نفتگران زندانی، پلاکتهایی درست داشتند که بروی آنها جملات «اتهام شوهران ما چیست؟»، «علت دستگیری ما چیست؟» و سازماندهندگان اعتصاب بزرگ صنعت نفت را بیان کنند» و دشوهران مبارز ما را آزاد و یا فوری محاکمه نمایید» نوشته شده بود. عده‌ای از افراد ناآگاه، که توسط افراد مشکوک تحریک شده بودند، با حملات خود سعی در بهم‌زدن تحصن نمودند، که متان و هوشتاری کارکنان متحصن و خانواده دستگیر

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق